

جنبش‌های سرتاسری و اعتراضات مردمی در عراق و لبنان و پیامدهای آن در ایران

امین بیات



مردمان هر دو کشور بخصوص جوانان از زن و مرد که متحد و یکپارچه به خیابان آمده اند، و شعار اولیه اشان علیه دولتهای حامی فساد، رشوه خواری و دزدیدن ثروت مردم، رواج بیکاری و فقر روز افزون بوده اند، امروز اما تبدیل به شعار تغییر بنیادی و گذراز هر دو هیئت حاکمه رژیمهای فاسد، رسیده اند.

جوانان معترض و فداکار از جان گذشته از زن و مرد عراقی و لبنانی به درستی پی به عملکرد دخالتگرانه ی عوامل جمهوری اسلامی و بخصوص سپاه قدس در امور داخلی کشورشان، برده اند، و محور اصلی شعار های آنان مستقیما رهبران فاسد، دزد و دخالتگر جمهوری اسلامی را نشانه گرفته اند و خواهان خروج سپاه قدس و عوامل سرکوبگر آنها از عراق و لبنان، شده اند، اما این کل ماجرا نیست.

مزدوران، قلم بدستان و جنگ طلبان و متجاوزین به حقوق مردم ایران کیهان تهران خطاب به مردم عراق که " بروید و سفارت آمریکا را تصرف کنید"، مواجه شد با روزی که سفارت آمریکا در تهران به تصرف مشتی تروریست در آمد که هنوز پس از سالها مردم ایران از عواقب آن رها نشده اند، اما مردم عراق آگاهانه جواب مثبت به نویسندگان کیهان تهران دادند و بجای تصرف سفارت آمریکا، کنسولگری جمهوری اسلامی را تصرف کردند و آنرا به آتش کشیدند، و بر سر در آن نوشتند که، تعطیل شد.

در حقیقت سیاست چپاول و حراج ثروت ملی مردم ایران و بذل و بخشش و مصرف آن در عراق و لبنان با آرزوی تسلط سپاه قدس تروریست و حزب الهی بر جان و مال عراقیها و لبنانیها وجه المسالحه قرار گرفتن دولتهای مزبور بوسیله عوامل سرمایه و اسلامیستها با وعده و پرداخت پول به آنها، جواب منفی به دست اندر کاران جمهوری اسلامی و سپاه قدس داد، و موجب شکست مفتضحانه آنها در افکار عمومی مردم عراق و لبنان، جهان و بخصوص مردم ایران گشت، و زبان زد خاص و عام گردید. هزینه کردن سالها ثروت ملی ایرانیان توسط جمهوری اسلامی برای ساختن بیمارستان، مدرسه، خانه و جاده، گنبد طلا و قاچاق اسلحه و... در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن نیز نتوانست از میزان خشم مردم این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی بکاهد بلکه این اعتراضات "احیای تمدن اسلامی" رانقش بر آب کرد.

سرمداران حزب الهی ایران عقب مانده با توجیه وقیحانه و اشتباهات خود، چه در مورد تصرف سفارتخانه های خارجی (آمریکا، انگلیس، عربستان) و نه پذیرفتن بارمسئولیت منفی اینگونه بحران آفرینیها، که سنگینی بار آن بر دوش مردم از لحاظ اقتصادی، بیکاری، فقر و ورشکستگی کمر شکن است، اما آنها به شانتاژ های خود ادامه میدهند. در طی چهل سال حکومت ننگین ملاها بارها به سفارت خانه های کشورهای دیگر حمله کردند و با صدای بلند از تریبون های رسمی کشور از این رفتار شنیع دفاع هم کردند. سیاست های توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه با شکست مواجه شده است، ما ایرانیها از عملکرد مردم عراق نسبت به تصرف کنسولگری جمهوری اسلامی و آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی و لگد مال کردن عکسهای سید علی و خمینی، نه اینکه ما را ناراحت نکرد بلکه به آنها اعتراض هم نداریم و حتی خوشحال هم نشدیم، زیرا نه آن کنسولگری خانه ما بود، و نه آن پرچم خرچنگی حزب الهی پرچم ایرانیا ن، بود، اما با پرچم آتش زدن و از دیوار سفارت بالا رفتن هیچ ملتی به رفاه و آزادی نرسیده، نمونه ی بارز این ماجراجویی توسط تروریستهای حزب الهی جمهوری اسلامی اتفاق افتاد و هنوز هم تاوان آنرا مردم ایران پس میدهند.

فساد روز افزون در جمهوری اسلامی و مافیای قدرت در هر دو جناح ساختگی ادامه دارد، اما قوه قضائیه ادعا میکند که علیه آن در حال مبارزه میباشد و این در حالیست که خود شریک دزدها است، و به برگزاری نمایشهای دروغین بعنوان برگزاری دادگاههای مفاسد اقتصادی از تلویزیون ایران پخش میکنند، و در این ارتباط به تسویه حسابهای

داخلی می پردازند، در حقیقت برای انحراف افکار عمومی جنگ حیدری نعمتی راه انداخته اند.

با بررسی اینکه جنگ داخلی در سوریه که ایران آتش بیار معرکه آن بود و باعث کشتار هزاران جوان سوریه ای شد و اکنون در حالت آرامش نسبی و آتش بس بسر میبرد، افکار عمومی در سوریه و دست اندر کاران جنگ داخلی در سوریه میگویند نیروهای خارجی باید از سوریه بیرون بروند، دلیلشان هم این است که این نیروها چه از لحاظ سیاسی و اقتصادی، نظامی سوریه را به این روز انداخته اند که فقر، بیکاری و خانه خرابی، آوارگی به اوج خود رسیده که نتیجه جنگ داخلی است، اما این آتش بیاران جنگ داخلی در سوریه اکنون دست اندر کار دخالت و دامن زدن به جنگ داخلی در عراق و لبنان شده اند، برای تحقق اهداف شوم خود، در یکطرف آمریکائی ها و شرکاء جهت گسترش سلطه ی خود بر چاه های نفت پافشاری میکنند و از جانب دیگر روسیه در تلاش معاش و ایران در جهت گسترش امپراطوری اسلامی، میباشند.

اعتراضات در لبنان و عراق بطور گسترده و فزاینده در حال پیشروی تارسیدن به خواسته هایشان که در راس آنها گذر از حاکمیت های وابسته است، میباشد، رویدادهای مختلفی که امروز در عراق و لبنان باعث نفوذ روز افزون ایران گردیده و باعث نزدیکی سپاه قدس با نیروهای حزب الله و تروریست شده، ایستادن مردم جلوی نفوذ ایران و جلوگیری از نیروهای حزب الهی داخلیشان در تغییر و تحولات داخلی دولت هایشان بوضع دیده میشود.

روی هم رفته اعتراضات در عراق و لبنان به تضعیف حزب الله و نیروهای مسلح آنها در پوشش "حشدالشعبی" و "سپاه پاسداران"، "حزبالله لبنان" شده است، والبتة قابل ذکر است که دولت عراق و کردهای درون دولت عراق نیز در کشتار نزدیک به سیصد نفر، نیزسهمیند.

اما افزایش اعتراضات در عراق و لبنان موجب این نیز شده که سپاه پاسداران چاره اندیشی کند و دامنه ی دخالت در عراق و لبنان را افزایش داده و به فساد و سوء مدیریت و همچنین دخالت در قدرت دولتی، مطالبات بحق مردم عراق و لبنان را منحرف سازند و سعی میکنند که سیاست جنگی حاکم بر سوریه را در عراق و لبنان پیاده کنند، یعنی ایران بعنوان حامی شیعیان در عراق صف آرائی در مقابل سنی ها انجام دهند و البته مردم بخوبی دست این

جانیان را خوانده اند.

سپاه پاسداران با حراج ثروت ملی مردم ایران و بذل و بخشش آن بین "حشدالشعبی" عراق و "حزب الله" لبنان و همچنین حوثی های یمن ، چنین وانمود میکنند که اختیار وعنان این نیروها در دست سپاه تروریستی قدس است و میتواند در این سه کشور بوسیله آنها اهداف خود را به کرسی بنشانند و بسرکوب مردم معترض همت گمارد، مردم عراق و لبنان به این امر آگاهند و در مقابل نیروهای متحد و سرگوبگر سپاه قدس در کشورهای خود عمل میکنند، وبدنبال کسب خواستهای دمکراتیک خود در میادین بزرگ شهرها ایستاده اند و گول وعده های دروغین را نمیخورند.

آمریکائیه درعراق ولبنان خواستار تغییر این دولتها و به سرکار گماردن دولتهای جدید ووابسته تربخود میباشند، در حقیقت همسوئی ظاهری با تظاهر کننده گان در تغییر دادن دولتها همگامند اما تفاوت خواسته ها از زمین تا آسمان است مردم طالب آزادی، استقلال و حکومتهای ملی و غیر وابسته و لائیک هستند و خواهان قطع دست بیگانه ازسلطه بر نفت کشورشان میباشند واما آمریکائیه میخواهند با پیاده کردن نیرو تمام نفت منطقه را بچاپند.

عراقیه و لبنانی ها در یافته اند که جمهوری اسلامی ایران در این چهل سال سرنوشت مردم ایران را به تباهی کشید،البته اپوزیسیون و مردم ایران هم در این امر شریکند، که بهر حال در جو ترور وخفقان حاکم بر جامعه ی بعد از انقلاب ، نیروهای مردمی و سازمانهای مردمی نتوانستند بوظیفه خود عمل کنند، و گول امیال دروغین و ریاکارانه مذهبیها را خوردند.

علت و علل اصلی به پا خواستن مردم ایران و بخصوص در حال حاضر عراق و لبنان علیه دولتهای خود:

مردمان این کشورها بطور کلی خواهان توقف ثروت ملی در داخل کشورشان، مصرف آن در خدمت عامه و برای بهتر زندگی کردن میباشند، که در حال حاضر توسط دولتهای ایران ، عراق و لبنان چپاول میشود.

مردم عمدتا علیه ساختارهای نا مناسب قومی و مذهبی بپا خواسته اند، زیرا دریافته اند که مذهب و دخالت آن در دولت و زندگی خصوصی مردم، موجب جلو گیری از تشکیل یک دولت مدرن و لائیک میشود.

سؤال اینجاست که آیا اگر این دولتها بر کنار شوند، آیا جایگزین

مناسب در این کشور ها موجود است؟

امروزه البته تبلیغات سوء توسط افراد منفعت پرست مالی و کسب قدرت ، چنین وانمود میکنند که عوام را بفریبند البته با عوامفریبی مختص بخود که اگر این رژیمها بر چیده شوند جانشینی ندارند و اوضاع بد تر میشود.

در حال حاضر نا برابری ، بیعدالتی، بیکاری ظلم و تعدی در این کشور ها به اوج خود رسیده است، کیفیت زندگی ، شرایط زیستی بسیار پائین، فساد دولتی همه جا گیر ، نا کار آمدی دولتمردان بوضوح دیده میشود.

البته در موارد بر شمرده خیلی مسائل بین المللی و داخلی در بوجود آمدن این شرایط دخیل هستند.

نئولیبرالیسم با ابزار کافی و تبلیغات وسیع با سرمایه های هنگفت، نظم اینگونه جوامع را بهم ریخته و در ایجاد فساد عمومی و دولتی بسیار فعال و کوشا است، با برنامه ی ریاضت اقتصادی و پیاده کردن آن با تهدید و زور بعنوان متد های جدید برای" رفاه اقتصادی عمومی"، مردم را به گروگان و در خیلی مسائل گرفتار کرده ، تا اندکی رفاه توسط دست نشانندگان خود ایجاد کنند و در عوض کل ثروت ملی مردم این کشور ها را از جمله نفت ، گاز و ... را از آن خود کنند و منافع و درآمد هنگفت آنرا به زور ببرند، حاکمان دست نشانده و آگاه به نا کار آمدی را بر قدرت بگمارند تا نان بخور و نمیر بمردم بدهند و اصل داستان را از آن خود کنند.

البته فقرو فلاکت و بیکاری با برنامه از قبل تنظیم شده در کشور های صنعتی هم امکان پذیر است ، مانند شرایط حاکم بر اکثریت مردم فرانسه که توسط دولتمردان آنها رواج یافته و مردم فرانسه در قلب اروپا و مرکز "تمدن جهانی" هم گرفتار و بیکارند ، جوانها از رفاه نسبی بی بهره اند، البته قابل مقایسه با جوانان ایران ، عراق و لبنان که بین 30 تا 40 درصد بیکارند و امید به آینده را در طول زمان در سیستم های خود از دست داده اند و به خط فقر و حتی زیر خط فقر رسیده اند، نمیباشند.

در کل مردم اصلاحات سیاسی و رفاه همراه آزادی میخواهند و در اصل ولی در اثر عملکرد سرمایه داری و دخالت آنها در امورات داخلی کشورهای مزبور کار را به آنجا کشانده اند که مردم را به این نتیجه رسانده اند که این دولتها اصلاح پذیر نیستند ، همچنانکه

درايران نشد و سالها سر مردم و بخشي از اپوزيسيون را به اين وسيله گرم كردند و گول زدند، و ديري نخواهد كشيد كه زبانه هاي آتش اعتراضات و خشم مردم عراق و لبنان به ايران صرايط خواهد كرد و تار و پود اسلام سياسي را در هم خواهد پيچيد.

بهر حال بر خلاف نظر فرصت طلبان، اپوزيسيون چپ، مترقي، ملي و دمكرات ايران از زنان و مردان آب ديده و سياسي تشكيل شده است و البته هر فرد در زندگي سياسي هم مرتكب خطاهاي نا خواسته بوده است، بايد خطاها را بر شمرد و گوش زد هم كرد، و نبايد آنها را تكرر نمود، بلكه بصورت تشكّل هاي مختلف و با برنامه هاي متفاوت بايد مسئوليت خطاهاي گذشته را پذيرفت، و در كلّيت جلب اعتماد جنبشها را فراهم نمود كه بسيار در شرايط فعلي مهم مي باشد.

از آنجا كه رژيم جمهوري اسلامي و شبیه آن در عراق و لبنان ديگر مشروعيت سياسي و اجتماع و مذهبي در ميان مردمان اين کشورها ندارند و اعتبار نداشته اشان را بطور كلي از دست داده اند و به زير صفر رسانده اند،

پس اپوزيسيون در كل داراي هژموني آنها هم متفاوت مي باشند و در شرايط مشخصي و بطور نسبي اما مستقل ميتوانند و بايد در کنار مردم قرار بگيرند و جنبشها را بسمت دمكراسي، آزاديخواهي و رسيدن به عدالت و... سمت و سو دهند و مشتركا برنامه قابل پياده شدن و همسو براي آينده ايران پيشنهاد كنند.

مردمان ايران، لبنان و عراق بايد خود باور باشند و اين مهم را تبليغ كنند و به نيروي پر قدرت و لايزال خود اعتماد كافي داشته باشند و در مقابل به پوشالي بودن قدرت دولتهاي فاسد، هم نظر و متحد براي بر چيدن آنها همگام شوند.

مشروعيت معنوي و اخلاقي را دولتمردان مذهبي در ايران و دولتهاي فرقه اي مذهبي در لبنان و عراق از دست داده اند و بهمين دليل مشروعيت خود را با زور، ترور، خفقان، شکنجه و زندان و تهديد معترضان به هدف قرار دادن گلوله و كشتار آنها به جو خفقان دامن ميزنند، جوامع مزبور و در كل مردمان معترض در صحنه مبارزه بايد جلوي نفوذ و كشتار توسط نظاميان را بگيرند و بدانند كه هيچ قدرتي نميتواند در مقابل اكثريت متحد مردم مقاومت كند، "پاسداران و بسيجي" و حزب الهی، "حشد الشعبی" و "حزب اله لبنان" كه جاي خود دارند.

امين بيات

06.11.2019

Bayat.a@freenet.de

<https://www.facebook.com/amin.bayat9>